

The Impact of Iran-Saudi Relations on the Security of West Asia (2023-2024)

habibollah hasankhnloo¹
Mohammad Shah Mohammadi²

Abstract

Iran-Saudi relations, as two influential regional powers, have always played a decisive role in the security arrangements of West Asia. Following tensions in their relations since 2016, ties eventually moved toward normalization. This study examines the effects of the 2023 agreement on regional security developments. The main research question is: How can this agreement lead to the redefinition of security equations and the formation of a new order in the region?

Findings based on constructivist theory indicate that the bilateral relations have evolved within the framework of regional structural changes and the perceptions of both parties. On one hand, the gradual decline of the U.S. role, and on the other, the emergence of China as a new actor, have created a conducive environment for this détente. This shift has had positive effects in reducing tensions. However, significant challenges remain, including opposition from the U.S. and Israel to the formation of an independent regional security order.

Keywords: Iran, Saudi Arabia, Constructivism, West Asia

¹ PhD student in National Security Studies, National Defense University, Tehran, Iran.
khanloo49@gmail.com

² Assistant Professor, University and Higher Research Institute of National Defense and Strategic Research, Tehran, Iran.

M.mohammad.shm1347@gmail.com

بررسی تأثیر روابط ایران و عربستان بر امنیت منطقه غرب آسیا (۲۰۲۳-۲۰۲۴)

حبیب اله حسن خانلو^۱

محمد شاه محمدی^۲

چکیده

روابط ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت تأثیرگذار منطقه‌ای، همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در ترتیبات امنیتی غرب آسیا داشته است. بعد از بروز تنش‌ها در روابط این دو کشور از سال ۲۰۱۶ در نهایت روابط به سمت عادی‌سازی پیش رفت حال این پژوهش به بررسی تأثیرات توافق ۲۰۲۳ بر تحولات امنیتی منطقه می‌پردازد. سؤال اصلی تحقیق این است که این توافق چگونه می‌تواند به بازتعریف معادلات امنیتی و شکل‌گیری نظم جدیدی در منطقه منجر شود؟ یافته‌های پژوهش بر اساس نظریه سازه‌انگاری نشان می‌دهد که روابط دو کشور در بستر تغییرات ساختاری منطقه و ادراک‌های طرفین بوده است. از یکسو، کاهش تدریجی نقش آمریکا و از سوی دیگر ظهور چین به عنوان بازیگر جدید، فضای مناسبی برای این تنش‌زدایی ایجاد کرده است. این تحول توانسته تأثیرات مثبتی در کاهش تنش‌ها داشته باشد. با این حال، چالش‌های جدی پیش روی این روند وجود دارد از جمله مخالفت‌های آمریکا و اسرائیل با شکل‌گیری نظم امنیتی مستقل منطقه‌ای است

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، سازه‌انگاری، غرب آسیا

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

khanloo49@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

مقدمه

در سال‌های اخیر، تحولات مهمی در روابط ایران و عربستان سعودی رخ داده است که توجه گسترده‌ای را به خود جلب کرده و پرسش‌های اساسی درباره تأثیر این روابط بر امنیت منطقه غرب آسیا مطرح ساخته است. پس از سال‌ها تنش، قطع رابطه و رقابت‌های منطقه‌ای پیچیده، توافق احیای روابط دیپلماتیک میان تهران و ریاض در سال ۲۰۲۳ نقطه عطفی به شمار می‌رود که امکان بازتعریف مناسبات سیاسی و امنیتی در منطقه را فراهم کرده است. اما این تحول فراتر از یک توافق رسمی دیپلماتیک است و با خود سؤالات کلیدی در مورد امنیت منطقه‌ای، ثبات سیاسی و چشم‌انداز روابط میان بازیگران اصلی منطقه به همراه آورده است.

آیا این تغییر در روابط ایران و عربستان می‌تواند موجب کاهش تنش‌های دیرینه و بهبود شرایط امنیتی در غرب آسیا شود؟ چه موانع و فرصت‌هایی در مسیر تثبیت این روند وجود دارد؟ و اساساً تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این توافق بر ساختار امنیتی منطقه چه خواهد بود؟ این‌ها پرسش‌هایی است که در پس این تغییرات مطرح می‌شود و اهمیت تحلیل دقیق آن‌ها به دلیل نقش محوری ایران و عربستان در تحولات منطقه، بسیار حائز اهمیت است. به‌ویژه در چارچوب شرایط پیچیده و متغیر ژئوپلیتیکی غرب آسیا، که در آن بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در رقابت و تعامل پیچیده‌ای قرار دارند، فهم دقیق از چگونگی تأثیر روابط تهران و ریاض بر امنیت منطقه نیازمند بررسی ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و نظامی است. این روابط نه تنها بر پرونده‌های بحرانی مانند جنگ یمن، بحران سوریه و رقابت‌های نفوذ در عراق تأثیرگذار است، بلکه بر نظام امنیتی منطقه، بازار انرژی و تعامل با قدرت‌های بزرگ نیز بازتاب دارد.

از سوی دیگر، اهمیت عوامل ذهنی، هویتی و ادراکی در شکل‌دهی به سیاست‌های این دو کشور، نشان می‌دهد که تغییرات محیط استراتژیک صرفاً محصول تحول در واقعیت‌های

عینی نیست، بلکه نگرش‌ها، باورها و استراتژی‌های بازیگران نیز نقش اساسی در تعیین جهت تحولات دارند. بنابراین، تحلیل چگونگی شکل‌گیری و تغییر این ادراکات می‌تواند به فهم بهتر فرآیند تنش‌زدایی و چشم‌انداز امنیتی منطقه کمک کند.

علاوه بر این، باید در نظر داشت که روابط ایران و عربستان در سطحی فراتر از مناسبات دوجانبه، تأثیرگذار بر ترتیبات امنیتی چندجانبه و آینده نظم منطقه‌ای در غرب آسیا است. با کاهش مداخلات مستقیم بازیگران فرامنطقه‌ای، به‌ویژه آمریکا، و ظهور بازیگران جدیدی مانند چین، شرایط به سمت ترتیبات بومی‌تر و چندقطبی شدن پیش می‌رود که این موضوع به خودی خود پیامدهای امنیتی گسترده‌ای به همراه دارد. بنابراین، مسئله اصلی این است که چگونه و تا چه اندازه توافقی‌ها و تحولات صورت گرفته در روابط ایران و عربستان از سال ۲۰۲۳ به بعد می‌تواند به کاهش تنش‌ها، شکل‌گیری امنیت پایدار و بازتعریف رقابت‌ها در غرب آسیا منجر شود؟

پرداختن به این پرسش نیازمند بررسی دقیق روندها، موانع و فرصت‌های موجود در روابط ایران و عربستان و تحلیل تأثیرات آن بر امنیت منطقه‌ای است. این امر به‌ویژه در شرایطی که پرونده‌های پیچیده و متعددی همچون بحران یمن، تحولات عراق، رقابت‌های ایدئولوژیک و نفوذ قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچنان پابرجا هستند، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. درنهایت، فهم این موضوع می‌تواند نقشی کلیدی در شکل‌دهی به سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در سال‌های پیش رو ایفا کند. پژوهش به روش تبیینی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

چارچوب نظری

نظریه سازه‌نگاری که در اواخر دهه ۱۹۸۰ و در بستر مناظره میان نئوواقع‌گرایان و نئولیبرال‌ها، و نیز میان خردگرایان و نظریه‌پردازان انتقادی پدید آمد، بر اهمیت هنجارها، ارزش‌ها و هویت‌ها در شکل‌دهی به کنش بازیگران

بین‌المللی تأکید می‌کند (Wendt, 1992). برخلاف رئالیسم که قدرت مادی را عامل اصلی رفتار دولتها می‌داند، سازه‌انگاری تلفیقی از ابعاد مادی و غیرمادی را مبنای تحلیل قرار می‌دهد (متقی، ۱۳۹۳: ۱۴۴). بر اساس این دیدگاه، ادراکات ذهنی و زبان مشترک میان دولتها، تعیین‌کننده الگوی رفتاری آنها در قالب سه فرهنگ هابزی (دشمن‌محور)، لاکي (رقيب‌محور) و کانتی (دوست‌محور) است (جعفری‌فر و دادگستر، ۱۴۰۱: ۳۱).

در حوزه روابط بین‌الملل، به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد، فروپاشی شوروی نه‌تنها ساختار قدرت جهانی را تغییر داد بلکه زمینه‌ساز افزایش اهمیت هنجارها و هویت‌ها در روابط میان کشورها شد (Finnemore & Sikkink, 1998). در این چارچوب، سازه‌انگاری معتقد است که تغییر در ادراکات و هویت‌ها می‌تواند روابط خصمانه را به سمت همکاری سوق دهد. این امر مستقیماً با مفهوم تنش‌زدایی پیوند دارد که از دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات سیاست بین‌الملل شد و هدف آن کاهش سوءظن و جایگزینی آن با اعتماد متقابل از طریق گفتگو و همکاری است (محقق، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

در غرب آسیا، روابط ایران و عربستان نمونه بارزی از تعامل الگوهایی هابزی و کانتی در گذر زمان است. در دوره‌هایی، رقابت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی دو کشور به تشدید تنش‌ها انجامیده، اما در دوره‌های دیگر، تغییر برداشتها و منافع مشترک – مانند امنیت منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات فراملی – مسیر را برای تنش‌زدایی هموار کرده است (Gause, 2014). در چارچوب سازه‌انگاری، این تغییرات نه صرفاً حاصل توازن قوا، بلکه محصول بازتعریف هویت‌ها و اهداف متقابل است (Wendt, 1999). توافق ۲۰۲۳ ایران و عربستان با میانجیگری چین را می‌توان نمونه‌ای از گذار نسبی از الگوی هابزی به سمت الگوی لاکي و

حتی کانتی دانست که در صورت استمرار می‌تواند به ارتقای امنیت منطقه‌ای منجر شود (Alterman, 2023).

بررسی تأثیر روابط ایران و عربستان بر امنیت منطقه غرب آسیا (۲۰۲۳-۲۰۲۴)

نظریه سازه‌نگاری با تأکید بر نقش عوامل هویتی، گفتمانی و اجتماعی در شکل‌گیری روابط بین‌الملل، چارچوب تحلیلی مناسبی برای بررسی روابط ایران و عربستان ارائه می‌دهد. این نظریه برخلاف رئالیسم که بر عوامل مادی و ساختاری تأکید دارد، معتقد است که هنجارها، ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط بین‌الملل ایفا می‌کنند. در این چارچوب، روابط ایران و عربستان نه صرفاً بر اساس محاسبات عقلانی و منافع مادی، بلکه متأثر از ساختارهای معنایی، گفتمان‌های سیاسی و هویت‌های جمعی شکل گرفته است.

پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی (۲۰۲۳-۲۰۲۴)، عوامل هویتی و گفتمانی با سهم ۷۰٫۶۲ درصدی، تأثیر تعیین‌کننده‌تری نسبت به متغیرهای ساختاری در روند تنش‌زدایی داشته‌اند (باقری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۸۹). این یافته‌ها مؤید آن است که تغییر در برداشت‌های ذهنی و بازتعریف هویت‌های ملی نقش محوری در تحول روابط دو کشور ایفا کرده است. به عبارت دیگر، تحول در گفتمان‌های سیاسی و بازتعریف "خود" و "دیگری" در سطوح نخبگانی و عمومی، بستر لازم برای تنش‌زدایی را فراهم ساخته است.

روند روابط و زمینه‌های تاریخی روابط دو کشور و تحولات اخیر

روابط ایران و عربستان سعودی از زمان آغاز رسمی در سال ۱۹۲۹ تاکنون فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشته است که می‌توان آن را در چهار مرحله اصلی دسته‌بندی کرد.

مرحله اول: آغاز و ثبات نسبی (۱۹۷۹-۱۹۲۹)

روابط دو کشور در سال ۱۹۲۹ با امضای عهدنامه مودت آغاز شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ عمدتاً مسالمت‌آمیز بود، هرچند مواردی مانند مناقشه بر سر نام «خلیج فارس» و مسئله بحرین به‌طور محدود تنش ایجاد کرد. با این حال، روابط در این دوره بیشتر بر تعامل سیاسی و پرهیز از درگیری مستقیم استوار بود.

مرحله دوم: انقلاب اسلامی و تشدید تنش (۱۹۷۹-۲۰۰۵)

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ نقطه عطفی در روابط دو کشور بود. راهبرد صدور انقلاب از سوی ایران و همکاری عربستان با آمریکا در ماجرای طبس و سپس حمایت گسترده ریاض از صدام حسین در جنگ ایران و عراق، تنش‌ها را به اوج رساند. اوج بحران در سال ۱۹۸۷ و حادثه خونین مراسم «برائت از مشرکین» رخ داد که منجر به کشته شدن صدها زائر ایرانی شد. این اتفاق باعث قطع روابط سیاسی شد. با حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و اعلام بی‌طرفی ایران، روابط بهبود یافت و در سال ۲۰۰۱ توافق‌نامه امنیتی مهمی بین دو کشور امضا شد.

مرحله سوم: اختلافات منطقه‌ای و قطع دوباره روابط (۲۰۰۵-۲۰۱۶)

از ۲۰۰۵ به بعد، اختلافات بر سر تحولات منطقه‌ای مانند جنگ ۳۳ روزه لبنان، بحران سوریه، بهار عربی، و یمن شدت گرفت. رویدادهایی همچون اعدام شیخ نمر در ژانویه ۲۰۱۶ و حمله به سفارت عربستان در تهران، باعث شد ریاض روابط دیپلماتیک را به‌طور کامل قطع کند. در این دوره، هر دو کشور در میدان‌های نیابتی مختلف در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند.

مرحله چهارم: تشدید رقابت و سپس کاهش تنش (۲۰۱۶-۲۰۲۲)

در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹، جنگ یمن، بحران خلیج فارس، و حملات به تأسیسات نفتی آرامکو، روابط را در سطحی پرتنش نگه داشت. با این حال، از ۲۰۱۹ نشانه‌هایی از کاهش تنش پدیدار شد، از جمله پیشنهاد صلح هرمز توسط ایران و مذاکرات غیررسمی در سطوح امنیتی. ترور سردار

سلیمانی در ۲۰۲۰ و مواضع نسبتاً خوشتن‌دار عربستان نیز فضای تعامل محدود را حفظ کرد. از ۲۰۲۱ مذاکرات رسمی آغاز شد که منجر به کاهش تبلیغات منفی و آرام‌تر شدن درگیری‌های یمن شد.

مرحله پنجم: احیای روابط و چشم‌انداز آینده (۲۰۲۳-۲۰۲۴)

در مارس ۲۰۲۳، با میانجی‌گری چین، ایران و عربستان پس از هفت سال قطع روابط، توافق کردند روابط دیپلماتیک را از سر بگیرند. این توافق به کاهش تنش در پرونده‌های منطقه‌ای، به‌ویژه یمن، کمک کرد و چشم‌انداز همکاری‌های اقتصادی و امنیتی را بهبود بخشید. هرچند اختلافات عمیق بر سر مسائل ژئوپلیتیک، نفوذ منطقه‌ای و پرونده هسته‌ای ایران همچنان باقی است، اما این روند می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری ترتیبات امنیتی بومی در خلیج فارس و کاهش وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای باشد.

جدول روابط ایران و عربستان

تاریخ روابط دو کشور	سال	حوادث تأثیرگذار
مرحله اول	آغاز روابط	۱۹۲۹
	روابط مسالمت‌آمیز	۱۹۲۹ تا ۱۹۳۷
	دوران افول در روابط همراه با افزایش تنش	۱۹۳۷ تا ۱۹۴۳
	قطع روابط	۱۹۴۳

	سیاسی	تا ۱۹۴۸	
آغاز دوباره روابط سیاسی، ارسال نامه عبدالعزیز (پادشاه سعودی) مبنی بر برقراری	آغاز روابط	۱۹۴۸	
روابط مسالمت‌آمیز با کمترین تنش در روابط به‌جز دو مورد مناقشه یکی مناقشه بر سرنام خلیج فارس و دیگری مسئله بحرین که در هر دو مورد فقط در حد یک بیانیه مناقشه به پایان رسید.	روابط مسالمت‌آمیز	۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹	
آغاز تنش در روابط با انقلاب اسلامی در ایران و راهبرد صدور انقلاب در منطقه از طرف ایران	مرحله دوم افزایش تنش روابط همراه با دوران افول در	۱۹۷۹	
همکاری عربستان با آمریکا در واقعه طبس		۱۹۸۰	
حمایت مالی و سیاسی عربستان از صدام حسین در جنگ با ایران		۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸	
تشکیل شورای همکاری خلیج فارس توسط عربستان و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای واکنش امنیتی در مقابل انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق		۱۹۸۱	
جنگ نفت‌کش‌ها، حمله عربستان به جنگنده ایرانی در خلیج فارس و بعدازآن ایران نیز به یک نفت‌کش سعودی در نزدیکی سواحل قطر حمله کرد.		۱۹۸۴	
در مراسم براثت از مشرکین در ۳۱ جوالی ۱۹۸۷ حاجیان ایرانی شعار مرگ			

بر آمریکا و اسرائیل سر می‌دهند که با حمله و تیراندازی پلیس عربستان ۴۰۲ نفر کشته می‌شوند که ۲۷۵ نفر از آن‌ها ایرانی بودند. پس‌از این واقعه عده‌ای از مردم خشمگین تهران، سفارت عربستان را اشغال و سفارت کویت را به آتش کشیدند و سفیر عربستان «مصعد الغمدادی» زخمی و در راه بیمارستان فوت می‌کند	۱۹۸۷		
قطع یک‌جانبه روابط سیاسی عربستان با ایران	آوریل ۱۹۸۸	قطع روابط سیاسی	
حمله عراق به کویت و اعلام بی‌طرفی ایران در این جنگ	۱۹۹۰	کاهش تنش در روابط	
بازگشایی سفارت‌خانه‌های ایران و عربستان	۱۹۹۰	آغاز روابط	
روابط مسالمت‌آمیز و افزایش بهبود مناسبات در این دوران، مهم‌ترین اتفاق در این دوران امضای قراردادی امنیتی در ۱۸ آوریل ۲۰۰۱ بود.	۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵	روابط مسالمت‌آمیز	
انتقادهای دولت وقت علیه حاکمان عرب و بروز تحریک مردم منطقه برای شورش علیه آن‌ها	۲۰۰۵	دوران افول در روابط همراه با افزایش تنش	مرحله سوم
توقف عمره به دلیل برخورد و بدرفتاری با زائران ایرانی	۲۰۰۵		
مواضع متفاوت دو کشور ایران و عربستان در مورد جنگ ۳۳ روزه	۲۰۰۶		
آغاز انقلاب‌های عربی و افزایش تنش در روابط و تضاد در سیاست خارجی دو کشور بعد از این حوادث در مورد کشورهای بحرین، سوریه، مصر و ...	۲۰۱۰		

حمایت ایران از اعتراض‌ها در بحرین در دوران بهار عربی متهم کردن ایران به تحریک مردم توسط عربستان و فرستادن نیرو به بحرین	۲۰۱۱		
آغاز اعتراضات در استان شرقی شیعه‌نشین عربستان سعودی، گردن زدن ۱۸ ایرانی به جرم مواد مخدر توسط عربستان	۲۰۱۲		
در سال ۲۰۱۴ نیروهای شیعه انصار الله (الحوثی) با تسلط بر بخش‌های از یمن، اداره کشور را در دست گرفتند که با دخالت نظامی عربستان در مارس ۲۰۱۵ روبه‌رو شد، دستگیری روحانی شیعه شیخ نمر النمر، سپتامبر ۲۰۱۵ کشته شدن حدود ۴۰۰ نفر ایرانی در زمان انجام مناسک حج، مخالفت عربستان با توافق برجام، عربستان با افزایش میزان تولید نفت و در مخالفت باسیاست‌های اوپک منجر به کاهش قیمت از بشکه‌ای ۱۱۰ دلار به بشکه‌ای ۳۰ دلار در ژانویه ۲۰۱۶ شد.	۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵		
در ژانویه ۲۰۱۶ عربستان شیخ نمر را اعدام کرد که این مسئله سبب اعتراض عده‌ای در ایران و حمله سفارتخانه عربستان در تهران کردند و آن را آتش زدند که به‌موجب این اقدام عربستان سعودی روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرد.	۲۰۱۶	قطع روابط سیاسی	
اوج تنش در روابط ایران و عربستان، درگیری دو کشور در جبهه‌های مختلف با گروه‌های نیابتی خود در یمن، سوریه، عراق، افزایش جنگ لفظی بین مقامات دو کشور	۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸		
با انتخاب پسر پادشاه عربستان «محمد بن سلمان» (که مسئولیت جنگ و کشتار یمن را نیز بر عهده داشت و از ضرورت کشیدن جنگ به داخل ایران سخن گفته بود) با انتخاب او جنگ لفظی بین دو کشور و شرایط سیاسی بدتر می‌شود.	مه ۲۰۱۷		

مرحله چهارم	کاهش تنش در روابط	مه ۲۰۱۷	عملیات تروریستی در مجلس و مرقد امام خمینی در تهران که ایران عربستان را مسئول این واقعه خواند.
۲۰۱۷		سقوط داعش، شدت گرفتن درگیری‌ها در یمن و شروع حملات محدود حوثی‌ها به داخل عربستان و هدف قرار دادن مراکز حیاتی	
۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹		خروج آمریکا از برجام در مه ۲۰۱۸ با تحریک عربستان که سبب تضعیف اقتصاد ایران و افزایش تنش در روابط و درگیری‌های محدود در خلیج فارس شد مانند هدف قرار گرفتن چندین کشتی تجاری و نفت کش از سوی منبعی نامشخص، خرابکاری در ۴ کشتی در فجیره امارات، انفجار دو نفت کش در دریای عمان، حمله به تأسیسات نفتی آرامکوی عربستان توسط حوثی‌ها، حمله به نفت کش ایرانی در دریای سرخ، افزایش اعتراض‌ها در عراق و لبنان و استعفای دولت‌های آن‌ها بر اثر زیر فشار قرار گرفتن از سوی معترضان که از طرف عربستان و آمریکا تحریک شده بودن، آتش زدن سفارت ایران در عراق توسط معترضان عراقی در بغداد، حملات هوایی به پایگاه‌های آمریکایی در عراق توسط گروه‌های وابسته به ایران و ...	
ژوئن ۲۰۱۹		حمله به پهپاد آمریکایی توسط ایران، کاهش تنش لفظی در اظهارنظر مقامات دو کشور، کاهش چشمگیر تعداد نیروهای اماراتی در جنوب یمن، سفر هیئت صلح امارات به ایران	
سپتام بر ۲۰۱۹		پیشنهاد صلح هرمز به کشورهای حوزه خلیج فارس از طرف ایران در سازمان ملل	
ژانویه		به شهادت رسیدن فرمانده سپاه قدس، سردار سلیمانی در عراق که بنا به سخن نخست‌وزیر عراق، شهید سلیمانی حامل پیام ایران در مورد روابط با عربستان بوده است، اعلام بی‌طرفی و خویشتن‌دار عربستان در واقع ترور	

۲۰۲۰	سردار سلیمانی و حتی درخواست از آمریکا که آن‌ها را وارد جنگ نکند، خروج ایران از برجام، برگزاری مجمع گفت‌وگوی تهران با محوریت طرح صلح هرمز و حضور برخی کشورهای منطقه خلیج فارس و همچنین پیشنهاد های وزیر خارجه ایران به کشورهای منطقه برای صلح در خلیج فارس
۲۰۲۱	از سرگیری روابط دیپلماتیک، مذاکرات ایران و عربستان که در سطوح امنیتی چندین بار صورت گرفته است و نتایج مثبتی از هر دو طرف گزارش شده است اما اختلافات دو کشور متعدد و پیچیده است که حل و فصل آن ساده به نظر نمی‌رسد. تبلیغات منفی دو کشور علیه یکدیگر کاهش پیدا کرده است. همچنین در حوزه یمن عملیات چه از سوی عربستان و چه از سوی انصار الله کاهش یافته است.

منبع: (عذیری و لاسجردی، ۱۴۰۲: ۲۴-۱۸)

به‌طور کلی روابط ایران و عربستان در چهار دهه اخیر فرازونشیب‌های متعددی را تجربه کرده است. پس از انقلاب اسلامی، این روابط تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله جنگ ایران و عراق، رقابت‌های منطقه‌ای و اختلافات ایدئولوژیک قرار داشت. تحولات منطقه‌ای در دهه ۲۰۱۰، به‌ویژه بهار عربی و بحران‌های متعاقب آن در سوریه، یمن و عراق، فضای بی‌اعتمادی را میان دو کشور تشدید کرد. در این دوره، روابط دو کشور عمدتاً در چارچوب الگوی رقابت‌جویانه و تقابل‌گرایانه قابل تحلیل بود. با این حال، از سال ۲۰۲۱ به بعد، تغییرات محسوسی در محیط راهبردی منطقه رخ داد که بستر مناسبی برای بازتعریف روابط فراهم کرد. از جمله این تحولات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- خروج نسبی آمریکا از خاورمیانه و کاهش نقش این کشور در معادلات منطقه‌ای
- تغییر نگرش عربستان با ماجرای خاشقجی و نگرانی از کاهش تعهدات امنیتی آمریکا
- ظهور بازیگران جدیدی مانند چین و روسیه در صحنه منطقه‌ای
- تغییر در اولویت‌های سیاست خارجی عربستان در چارچوب برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰

– نیاز ایران به کاهش انزوای بین‌المللی و بهبود روابط با همسایگان این تحولات نشان داد که چگونه تغییر در برداشت‌های ذهنی و بازتعریف هویت‌های ملی می‌تواند بر مناسبات منطقه‌ای تأثیر بگذارد (احمدیان و کهریزی، ۱۴۰۰: ۳۷). در این دوره، دو کشور به تدریج از گفت‌وگو تقابل‌گرایانه فاصله گرفتند و به سمت گفت‌وگو تعامل‌گرایانه حرکت کردند.

تغییر در نقش آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای

از زمان جنگ سرد، ایالات متحده بازیگر خارجی غالب در منطقه غرب آسیا بوده است و اغلب از طریق استراتژی‌های جنگ نیابتی در درگیری‌ها مداخله می‌کند. این رویکرد به واشنگتن اجازه می‌دهد تا نفوذ خود را بدون رویارویی نظامی مستقیم به حداکثر برساند، روشی که با تغییر پویایی قدرت جهانی به سمت چندقطبی، به‌طور فزاینده‌ای اهمیت یافته است. کاهش نقش آمریکا و ظهور چین به‌عنوان بازیگری مؤثر در منطقه، یکی از عوامل کلیدی در تحول روابط ایران و عربستان بوده است. ایالات متحده که در دهه‌های گذشته نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات منطقه داشت، با تغییر استراتژی خود به سمت تمرکز بر رقابت با چین، از حضور فعال در خاورمیانه کاست. این تغییر استراتژی، نگرانی‌هایی را در میان متحدان سنتی آمریکا از جمله عربستان ایجاد کرد.

در این فضا، چین با بهره‌گیری از رویکرد چندجانبه‌گرایانه و تأکید بر دیپلماسی اقتصادی، موفق شد به‌عنوان میانجی بی‌طرف در توافق ۲۰۲۳ نقش ایفا کند. این کشور که بزرگ‌ترین واردکننده نفت از عربستان و دومین شریک تجاری ایران محسوب می‌شود، با ارائه «راه‌حل‌های چینی» مبتنی بر همکاری اقتصادی و امنیت انرژی، بستر مناسبی برای گفت‌وگوی دو کشور فراهم ساخت. تحولات اخیر در روابط ایران و عربستان تأثیرات عمیقی بر کاهش نفوذ امنیتی قدرت‌های خارجی در منطقه غرب آسیا داشته است. پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد که توافق ۲۰۲۳ بین تهران و ریاض، نقطه عطفی در

بازتعریف معماری امنیتی منطقه محسوب می‌شود (Divsallar & Hesham, 2023). بر اساس آمارهای منتشر شده توسط مؤسسه SIPRI، فروش تسلیحات آمریکا به کشورهای خلیج فارس در سال ۲۰۲۳ نسبت به دوره اوج خود در ۲۰۱۵ حدود ۳۷ درصد کاهش یافته که نشان‌دهنده تغییر محسوس در الگوی وابستگی امنیتی این کشورهاست. نرخ محاسبه شده، نشان می‌دهد ارزش فروش تسلیحات از ۳۳,۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ به ۲۱,۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ رسیده است. البته تنوع بخشی به منابع تأمین تسلیحات با روی آوردن به تولید کنندگان روسی، چینی و اروپایی نیز از دلایل آن است.

چین به عنوان بازیگر جدید در معادلات منطقه‌ای، با اتخاذ رویکردی متفاوت از الگوی سنتی آمریکا، موفق به ایفای نقش مؤثری شده است. آمارهای تجاری نشان می‌دهد حجم مبادلات اقتصادی چین با کشورهای منطقه در پنج سال گذشته رشدی ۴۵ درصدی داشته است (China Customs, 2024). این کشور با بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی و ارائه الگوی همکاری «برد-برد»، توانسته جایگزین مناسبی برای الگوی امنیتی سنتی غرب ارائه دهد.

کاهش تدریجی نفوذ آمریکا در منطقه ناشی از چند عامل ساختاری است. نخست، تغییر استراتژی کلان واشنگتن و تمرکز بر رقابت با چین در حوزه آسیا-پاسفیک که منجر به کاهش توجه به خاورمیانه شده است. دوم، تحول در الگوی مصرف انرژی جهانی و کاهش وابستگی آمریکا به نفت خلیج فارس. سوم، تجربه ناموفق مداخلات نظامی در دو دهه گذشته که هزینه‌های سیاسی و اقتصادی قابل توجهی برای آمریکا به همراه داشته است (Parsi, 2023).

در سوی مقابل، کشورهای منطقه به‌ویژه ایران و عربستان با درک این تحولات ساختاری، به تدریج در حال توسعه مکانیسم‌های امنیتی بومی هستند. گزارش مرکز مطالعات

استراتژیک خلیج فارس نشان می‌دهد بودجه دفاعی کشورهای منطقه در پنج سال گذشته رشد متوسط ۲۸ درصدی داشته است (PGSC, 2024).

این امر بیانگر تمایل فزاینده به خوداتکایی امنیتی و کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی است. با این حال، این تحولات با چالش‌های مهمی نیز همراه است. از یک سو، رقابت فزاینده بین چین و روسیه برای پر کردن خلأ نفوذ آمریکا ممکن است منجر به شکل‌گیری الگوهای جدید وابستگی شود. از سوی دیگر، تداوم برخی اختلافات تاریخی بین ایران و عربستان و نیز نوسانات در روابط آنها می‌تواند ثبات این روند را با تردید مواجه سازد. تحلیل‌های موسسه کارنگی نشان می‌دهد که حداقل ۴۳ درصد از نخبگان منطقه‌ای نسبت به تداوم این روند ابراز تردید کرده‌اند (Carnegie, 2024). در مجموع، به نظر می‌رسد منطقه غرب آسیا در حال گذار از نظم امنیتی مبتنی بر هژمونی خارجی به سوی الگویی چندقطبی با نقش‌آفرینی بیشتر بازیگران محلی است. موفقیت این گذار به توانایی کشورهای منطقه در مدیریت اختلافات داخلی، توسعه نهادهای امنیتی مشترک و حفظ تعادل در روابط با قدرت‌های جهانی بستگی دارد. تجربه دو سال گذشته نشان داده که هرچند این مسیر با نوساناتی همراه بوده، اما جهت‌گیری کلی به سوی کاهش وابستگی به بازیگران خارجی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای است.

تحول ساختار امنیت و فرایند امنیت جویی

توافق اخیر ایران و عربستان تحولی ساختاری در روابط منطقه‌ای ایجاد کرده که پیامدهای آن در ابعاد مختلف قابل بررسی است. در کوتاه‌مدت، این توافق به کاهش محسوس تنش‌ها در چندین جبهه منجر شده است: کاهش درگیری‌های نیابتی در یمن (با کاهش ۴۰ درصدی حملات پهپادی طبق گزارش سازمان ملل)، تعدیل گفتمان سیاسی در مجامع بین‌المللی، و ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی سازنده. در بعد اقتصادی، زمینه‌های همکاری در بخش انرژی (به‌ویژه در حوزه پتروشیمی و توسعه میادین مشترک نفت و گاز) و

کریدورهای حمل و نقل منطقه‌ای فراهم شده که می‌تواند تأثیر مثبتی بر ثبات بازارهای انرژی داشته باشد (Sheikh, 2023).

تحلیل سازه‌انگارانه نشان می‌دهد این تحول بیش از آنکه محصول عوامل مادی باشد، ناشی از تغییر در ساختارهای هویتی و گفتگامانی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد عوامل هویتی با سهم ۷۰,۶۲ درصدی، نقش محوری در این تنش‌زدایی داشته‌اند (باقری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۸۹). این تغییر گفتگامانی در بستر تحولات منطقه‌ای (از بهار عربی تا جنگ یمن) و بین‌المللی (کاهش نقش آمریکا و ظهور چین) شکل گرفته است. خروج تدریجی آمریکا از منطقه و ناتوانی غرب در مدیریت بحران‌ها (احمدیان و کهزیزی، ۱۴۰۰: ۳۷)، همراه با تغییر در معادلات قدرت داخلی عربستان پس از ماجرای خاشقجی (رکابیان و انگزی، ۱۴۰۰: ۱۸۹)، بستر لازم برای این تحول را فراهم کرد.

قدرت‌های خارجی، به‌ویژه ایالات متحده، روسیه و چین، نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط ایران و عربستان و به تبع آن امنیت منطقه دارند. آمریکا با حمایت‌های نظامی از کشورهای خلیج فارس در مقابل ایران، گاه باعث افزایش تنش‌ها شده و سیاست تعهد دوگانه آن نسبت به ایران و عربستان، شرایط گفتگو و همکاری شفاف را پیچیده کرده است در مقابل، کاهش اعتماد عربستان به آمریکا پس از وقایع اخیر و نگرانی‌ها نسبت به قابلیت اطمینان این کشور، باعث شده عربستان به دنبال تنوع‌بخشی به شراکت‌های امنیتی خود با روسیه و چین باشد (Storm Genie, 2024). چین با میانجی‌گری در بهبود روابط ایران و عربستان، نقش فزاینده‌ای در منطقه یافته و به‌عنوان رقیبی برای آمریکا مطرح شده است؛ این مسئله بیانگر تمایل کشورهای منطقه برای استقلال بیشتر از نفوذ آمریکا است (Storm Genie, 2024). به عبارت بهتر نقش چین به‌عنوان میانجی موفق در این فرآیند حائز اهمیت است. این کشور با بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی و ارائه الگوی همکاری برد-برد (Divsallar & Hesham, 2023)، توانست به دلیل روابط متوازن با دو طرف (به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت عربستان و دومین شریک تجاری ایران) زمینه

گفت‌وگو را فراهم کند. این رویکرد مبتنی بر نقد "ذهنیت جنگ سرد" (Gering, 2023) و تأکید بر توسعه زیرساختی بود. این توافق می‌تواند به شکل‌گیری ترتیبات امنیتی بینجامد که سه ویژگی اصلی دارد: کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی، تأکید بر اعتمادسازی از طریق گفت‌وگو، و اولویت دادن به همکاری‌های اقتصادی. چنین تحولی می‌تواند معماری امنیتی منطقه را به سمت نظم چندقطبی سوق دهد (Sheikh, 2023).

۳. تحولات در روابط با سایر بازیگران منطقه

تغییر روابط بین ایران و عربستان سعودی پیامدهای قابل توجهی برای سازمان‌های منطقه‌ای، به‌ویژه شورای همکاری خلیج فارس (GCC) دارد. شورای همکاری خلیج فارس به‌طور فزاینده‌ای بر در دست گرفتن امنیت به دست خود تمرکز کرده است، که نشان‌دهنده تمایل رو به رشد کشورهای عضو آن برای افزایش همکاری داخلی به جای تکیه صرف بر تضمین‌های امنیتی خارجی، به‌ویژه از سوی ایالات متحده است. رابطه بین ایران و عربستان سعودی پیامدهای عمیقی برای چشم‌انداز امنیتی منطقه غرب آسیا به‌ویژه از آنجاکه به منافع اسرائیل مربوط می‌شود نیز دارد. اسرائیل از نظر تاریخی برای مقابله بانفوذ ایران و کاهش تهدیدات گروه‌های نیابتی ایران مانند حزب‌الله و حوثی‌ها، به ترکیبی از عملیات نظامی و سایبری متکی بوده است. هم‌زمان با تقویت روابط ایران و عربستان سعودی، اسرائیل نسبت به پیامدهای احتمالی آن برای امنیت منطقه‌ای ابراز نگرانی کرده است. چشم‌انداز همکاری بیشتر بین کشورهای خلیج فارس و ایران، چالش مهمی را برای اسرائیل ایجاد می‌کند، چراکه این اتحاد را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند در پاسخ، اسرائیل به دنبال تحکیم اتحادها و روابط دیپلماتیک خود، به‌ویژه با کشورهای حوزه خلیج فارس، برای مقابله بانفوذ ایران بوده است.

جمع‌بندی

تحلیل سازه‌انگارانه نشان می‌دهد تغییر در روابط ایران و عربستان عمدتاً ناشی از تحول در برداشت‌ها و گفتمان‌های دو طرف بوده است. این تغییر از تقابل به تعامل، بیشتر از اینکه نتیجه عوامل مادی باشد، محصول بازتعریف هویت‌ها و منافع ملی در بستر تحولات منطقه‌ای است.

کاهش نقش آمریکا در منطقه و ظهور بازیگرانی مانند چین، فضای جدیدی برای تعامل ایجاد کرد. از یک سو عربستان با تجربه کاهش حمایت‌های امنیتی آمریکا و چالش‌های داخلی مانند ماجرای خاشقجی، به بازنگری در سیاست‌های خود پرداخت. از سوی دیگر ایران نیز با هدف کاهش انزوای بین‌المللی، به سمت بهبود روابط با همسایگان حرکت کرد. این تغییر نگرش‌ها در کنار نقش میانجیگری چین که روابط اقتصادی خوبی با هر دو طرف دارد، به کاهش تنش‌ها انجامید.

اما تداوم این روند به عوامل مختلفی بستگی دارد. ثبات در معادلات منطقه‌ای، تداوم تعامل دو طرف و نقش بازیگران خارجی از جمله متغیرهای تأثیرگذار هستند. اگرچه نشانه‌های مثبتی از کاهش تنش‌ها دیده می‌شود، اما چالش‌هایی مانند اختلافات تاریخی و رقابت‌های ژئوپلیتیک همچنان وجود دارند. این تحول می‌تواند گامی به سوی شکل‌گیری نظم امنیتی جدیدی در منطقه باشد که در آن کشورهای منطقه نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کنند.

منابع

- باقری دولت‌آبادی، علی (۱۴۰۱)، علل طولانی شدن مذاکرات تنش‌زدایی بین ایران و عربستان بر اساس نظریه کریستفر هیل، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۷۱-۹۶
- بزرگمهری، مجید؛ ناقاجانی، سمیه؛ افشار، مریم (۱۳۹۸)، همسویی سازمان همکاری اسلامی با عربستان سعودی برای مقابله با ایران در بحران یمن (۲۰۱۹-۲۰۱۵)، پژوهشنامه علوم سیاسی زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۵۷، صص ۳۳-۷۴
- جعفری فر، احسان؛ دادگستر، هادی (۱۴۰۱)، جنگ اقتصادی آمریکا علیه چین با تأکید بر نظریه سازه‌نگاری، فصلنامه راهبرد سیاسی سال ششم، شماره ۳، پیاپی ۹۹، پاییز ۱۴۰۱، صص ۲۹-۵۰
- رکابیان، رشید؛ انگزی، رسول (۱۴۰۰)، تأثیر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران (با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای)، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۷۹-۲۰۴
- عذیری، وحید؛ لاسجردی، حسن (۱۴۰۲)، ظرفیت عربستان سعودی در صلح‌گرایی منطقه‌ای (با تأکید بر توافق ج.ا.ایران و عربستان سعودی)، فصلنامه دانشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۴۰۲، صص ۱-۳۱
- متقی، افشین (۱۳۹۳)، واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌نگاری، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۶۱-۱۴۱
- محقق، محمدحسن (۱۳۹۶)، فرصت‌ها و تهدیدات منطقه‌گرایی در غرب آسیا بعد از جنگ رسد و ارائه راهبردها، پایان‌نامه ارشد علوم سیاسی موسسه جامعه الصطفی العالمیه، استاد راهنما: دکتر محمد ستوده

- Davies, D. (2022). The international system and the Syrian civil war:
<https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/00471178221097908>
- Divsallar, A., & Hesham, A. (2023). The Strategic Calculus behind the Saudi-Iranian Agreeemen:
<https://www.thecairoreview.com/essays/the-strategic-calculus-behind-the-saudi-iranian-agreement/>
- Gering, T. (2023). Full throttle in neutral: China's new security architecture for the Middle East:
<https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/full-throttle-in-neutral-chinas-new-security-architecture-for-the-middle-east/>
- Sheikh, M. S. (2023). Exploring the Possibility of a Saudi-Iran Alliance: <https://mepc.org/commentary/exploring-possibility-saudi-iran-alliance>
- Storm Genie. (2024). Examining the impact of Iran-Saudi Arabia relations on the security of the West Asian region 2023-2024. Retrieved from
<https://storm.genie.stanford.edu/article/examining-the-impact-of-iran-saudi-arabia-relations-on-the-security-of-the-west-asian-region%0A2023-2024-1335010>